

نسخه چاپی/خبرآنلاین

تاریخ: جمعه 22 آبان 1394 - 10:02:51 کد مطلب: 477709

سرویس خبری: بین الملل < دیپلماسی

ریشه‌های دشمنی ایران و آمریکا چیست؟/ موسویان در کتاب تازه‌اش پاسخ می‌دهد

چرا ایران و آمریکا قادر به دستیابی به یک توافق باثبات نیستند؟

به گزارش خبرگزاری خبرآنلاین، سیدحسین موسویان، عضو تیم پیشین هسته ای کشورمان در یادداشتی در مجله مهرنامه پیرامون ریشه های دشمنی ایران و آمریکا نوشته است:

روابط سیاسی ایران و آمریکا بعد از انقلاب اسلامی 1357 از پیچیده ترین نوع روابط سیاسی تاریخ حکومتهاست. دو کشور خصمانه ترین روابط تاریخ معاصر را تجربه کرده اند و هر دو هم هزینه های وحشتناکی متحمل شده اند. ابعاد بی اعتمادی، تصویر و تصورات اشتباه، محاسبات غلط و عدم درک صحیح، متقابل و فوق العاده وسیع و عمیق است.

عجیب است ضمن که هر دو کشور یکدیگر را دشمن اول تلقی میکند، بهبود هیچ رابطه ای هم به اندازه روابط ایران و آمریکا دشمن خارجی ندارد و هیچ رابطه ای هم در داخل هر دو کشور با این حجم از مخالفت مواجه نبوده و نیست.

من قبل از انقلاب چند سالی برای تحصیلات در مقطع لیسانس در آمریکا زندگی کردم و یکی دوماه قبل از پیروزی انقلاب به قصد پیوستن به مردم و انقلاب به کشور بازگشتم. در آن مقطع افکار عمومی آمریکا نسبت به ایران و مردم ایران مثبت و نسبت به دیکتاتوری شاه منفی بود. سال 1388 که برای یک فرصت مطالعاتی به آمریکا آمدم با فضای بینهایت منفی علیه ایران مواجه شدم.

برای گفتن حقایق در اجتماعات بسیاری اعم از دانشگاهها و مراکز مطالعاتی و علمی و سیاسی و مردمی حضور یافتم. از مظلومیت‌های مردم ایران و ظلم های آمریکا به ایران و دلایل بی اعتمادی ایران به آمریکا سخن گفتم. واقعیت های مسئله هسته ای را تشریح کردم.

با این مواضع آنچنان مورد استقبال مردم و دست اندرکاران برگزاری نشستها و اجتماعات قرا گرفتم که از دو جهت مات و مبهوت بودم. یکی از سطح و عمق بی اطلاعی جامعه آمریکا نسبت به ایران و دیگری از آغوش باز آنها برای شنیدن حقایق.

دوماه قبل در اجتماع 5000 نفری مردم آمریکا در شمال نیویورک در چاتاگوا سخنرانی و به پرسشهای مردم جواب دادم. مردم آمریکا بجز سخنرانیهای انتخاباتی، به ندرت برای شنیدن سخنرانی یک نفر اجتماع چند هزار نفری دارند مگر اینکه فردی مثل پاپ اعظم باشد. روزی در اجتماعی در سانفرانسیسکو سیاستهای سی ساله آمریکا را به باد انتقاد گرفتم. سازمان دعوت کننده ترتیبی داده بود که سخنرانی و پرسش پاسخ من همزمان از 220 کانال رادیویی و تلویزیونی محلی و ایالتی و سراسری آمریکا پخش میشد.

این واقعیت بدین معنی است که:

اولا: مردم آمریکا بی اطلاعند و جمهوری اسلامی ایران هم برای روشننگری آنها ضعیف و علیل بوده است.

ثانیا: جامعه آمریکا باز است و ظرفیت و امکان دیالوگ با مردم آمریکا بیش از حد تصور دولتمردان ماست.

ثالثا: بدون اصلاح افکار عمومی و دیدگاه سیاستمداران دو ملت، یک رابطه عادلانه و بر مبنای احترام متقابل ممکن نیست.

چون موضوع هسته ای و روابط ایران و آمریکا را دو موضوع اول سیاست خارجی واشینگتن و تهران یافتیم با هدف روشننگری و با توجه به سی سال سابقه و تجربه در سمت های مختلف در جمهوری اسلامی ایران و نیز یافته های خود از هزاران ساعت بحث و گفتگو با متخصصین سیاست خارجی و داخلی آمریکادر طول اقامت پنج ساله در آمریکا و با حمایت بیدریغ دانشگاه پرینستون و بسیاری از آمریکاییهای علاقمند به گشایش در روابط، ابتدا کتاب "بحران هسته ای ایران" را نوشتم که در سال 2012 توسط بنیاد کارنگی آمریکا منتشر شد.

در این کتاب ضمن ارایه دیدگاه آمریکا و غرب، سعی کردم بطور جامع و مستند دیدگاههای ایران در مورد بحران هسته ای را برای آمریکاییها توضیح داده و حقانیت مواضع و خواست مردم ایران را تشریح کنم.

استقبال فوق العاده از کتابی هسته ای در جهان غرب مرا تشویق کرد که کتاب دوم را در مورد روابط ایران و آمریکا بنویسم. احساس میکردم که نزاع ایران و آمریکامی تواند به شکلی روزافزون غیرقابل کنترل و به رویارویی نظامی منتهی شود که این وضعیت به شکل بالقوه زندگی مردم زیادی را به مخاطره می افکند. علاوه بر این، نتایج اقتصادی این رویارویی می تواند به شکل افزایش در هزینه انرژی بر زندگی میلیون ها نفر در سراسر جهان تأثیر بگذارد.

من تردیدی ندارم که تنش در روابط ایران و ایالات متحده تأثیر فوق العاده ای بر موضوعات کلیدی متعددی در منطقه خاورمیانه دارد؛ ثبات خلیج فارس و در نتیجه آن امنیت انرژی، آینده افراطگرایی در منطقه و سراسر جهان، سرنوشت بیداری عربی، سرنوشت خاورمیانه بدون سلاح های کشتار جمعی، فرایند صلح اسرائیل و فلسطین و دولت های ضعیف نظیر عراق، افغانستان، لبنان و سوریه.

حفظ ثبات و صلح در خلیج فارس و خاورمیانه برای تمام جهان و از جمله غرب، بسیار حیاتی است. اگر بحران جاری در کشورهای نظیر عراق، افغانستان و سوریه به اغتشاشی فراگیر تبدیل شود، تاوانی جبران ناپذیر در پی خواهد داشت و آن کنترل و حکمرانی منطقه توسط توده های سازماندهی نشده و سازمان های تروریستی منطقه ای و بین المللی خواهد بود که جای ساکنان را در داخل این مرزها خواهند گرفت. علاوه بر این، اغتشاش، درگیری های مذهبی و جنگ های داخلی ممکن است به کشورهای همسایه سرازیر و موجب عدم ثبات و گسترش تروریسم و جنایات های سازمان یافته بیشتری شود.

کتاب های متعددی توسط متخصصان غربی و عمدتاً آمریکایی با نگاه به علل و ریشه های تضاد بین ایران و ایالات متحده نوشته شده است، اما هیچ یک از آنها نگاهی نزدیک به به این رابطه پیچیده از درون فرهنگ ایرانی، جامعه ایرانی و مهمتر دیدگاه سیاستمداران دو طرف را بطور متقابل ارائه نداده است. چنین نقصانی همواره علت اصلی سوء تعبیرهایی بوده است که دستمایه سیاستگذاران ایالات متحده و در نتیجه شکست آنها در دستیابی به اهدافشان بوده است. به علاوه این سیاستها خود خشونت و کینه توزی بین دو کشور را بیشتر کرده است و در عین حال به ایجاد و تداوم وضعیت آشتی ناپذیر بین آنها منتهی شده است. این آن نقصانی است که این کتاب درصدد رفع آن است.

در این کتاب دیدگاه غربی درباره کشمکش بین ایران و ایالات متحده مورد بحث قرار می گیرد، اما هدف آن توجه یکسان به دو طرف مناقشه نیست؛ هدف اصلی نگارش این کتاب ارایه دیدگاه ایرانیها نسبت به آمریکاست تا بدینوسیله درک بهتری در افکار عمومی غرب نسبت به

ایران حاصل شود و متعاقب آن راه برای حل این مناقشه هموار شود.

به دلیل تقریباً سه دهه خدمت در نظام سیاسی ایران، تجربه و آگاهی من در پاسخ به این سؤال اصلی که چرا ایران و آمریکا قادر به دستیابی به یک توافق باثبات نیستند، زیاد است. علی‌رغم فرصت‌های فراوان برای دو کشور جهت حل‌وفصل مناقشه از جمله چندین تلاش برای آشتی، اما این مناقشه کماکان از زمان پیروزی انقلاب همچنان وجود دارد.

با این حال، این واقعیت نیز در برابر ماست که ایالات متحده در دوره همه رئیس‌جمهورهای آن کشور، پیشنهادهای جهت توافق ارائه کرده‌است و این به ما نشان می‌دهد که اشتیاق به داشتن روابطی بهتر، همواره وجود داشته است. همین واقعیت الهام‌بخش من در نگارش این کتاب بوده است. با این امید که درک بهتر از سیاست و جامعه در ایران منجر به بازگرداندن شرایط دوستی منجر شود.

حالا و پس از پنج سال گفتگو با متخصصین سیاست داخلی و خارجی آمریکا، من نیز متقاعد شده‌ام که ما ایرانیان نیز نظام سیاسی آمریکا را به درستی درک نکرده‌ایم. همچون آمریکایی‌ها؛ ما ایرانی‌ها نیز بعضاً تحت تأثیر تحلیل نادرست قرار داریم.

در مورد ایران و ایالات متحده ما تنها شاهد چند معامله غیرمنسجم، همکاری‌های ناپایدار و کوتاه‌مدت بوده‌ایم که در پی آن بار دیگر موضع خصومت و دشمنی به سوی یکدیگر تجدید شده است. به عبارت دیگر ویژگی اصلی روابط بین دو کشور آشتی‌ناپذیری بوده است. من معتقد به تنش زدایی بین ایران و آمریکا هستم. نمی‌گویم که تنش زدایی با آمریکا همچون عصای موسی پیامبر معجزه کرده و مسائل و مشکلات عدیده ایران را از میان بخواهد داشت. حتی بسیاری از کشورهای همپیمان هم با هم هزار و یک مشکل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، امنیتی و غیره هم دارند.

اما معتمد تنش زدایی با آمریکا هزینه‌های منفی برای ایران را کاهش می‌دهد. مردم آمریکا از حقایق ایران محرومند، با ایرانیها دشمنی هم ندارند اما تحت تأثیر تبلیغات شوم مخالفین روابط ایران و آمریکا هستند.

با بسیاری از تحلیلگران و متخصصین سیاست خارجی نشست داشته‌ام و همیشه هم آثار این گفتگوها را در تعدیل نوشته‌ها و مواضع و سخنرانیهای آنها دیده‌ام. برخی از اعضاء کنگره آمریکا در دیدار با مقامات ایران به مطالعه و تأثیر این کتاب در شناخت آنها از ایران اشاره کرده‌اند. لذا در این کتاب ضمن طرح تاریخچه دشمنی‌های آمریکا علیه ایران و ارائه همه دلایل و ریشه‌های خصومت و بی‌اعتمادی بین ایران و آمریکا، نقشه راهی به سوی صلح بین دو کشور ارائه کرده‌ام. این است هدف من از تألیف این کتاب.

5252

<http://www.khabaronline.ir/detail/477709>

لینک مطلب: